

## معاونت در قتل عمدی؛ از منظر فقه جزایی و حقوق موضوعه

امیر محمدکریمی\*، سیددرید موسوی مجاب\*\*، اسماعیل آقابابائی بنی\*\*\*

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۳/۰۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۳/۲۱)

### چکیده

شریعت اسلام همواره اهداف مختلفی را در مقام سزادهی مد نظر قرار داده است که برخی از آنها در قرآن کریم و برخی نیز در روایات ذکر شده‌اند. با مراجعه به آرای فقهی، روشن می‌شود که در مورد معاونت در قتل از طریق اِمساک و نظارت، مجازات شرعی مقرر شده است. حال بنابر صدر ماده ۱۲۷ ق.م.ا. که برای تعیین مجازات معاون ابتدا کلمه‌ی شرع، سپس کلمه‌ی قانون را آورده، باید به همین صورت عمل شود؛ گرچه به نظر می‌رسد ارجاع مجازات به شرع، بر خلاف اصل قانونی بودن جرم و «مجازات» است. در صورتی که معاونت مشمول هیچ‌یک از عناوین فوق نباشد، بر اساس ماده ۱۲۷ ق.م.ا، در صورتی که مرتکب جنایت بر نفس، محکوم و قصاص نفس وی اجرا شود، معاون به حبس تعزیری درجه دو یا سه محکوم می‌شود، و در صورتی که قصاص نفس اجرا نشود، مجازات معاون یک تا دو درجه پایین‌تر از مجازات مرتکب جرم خواهد بود. البته در مورد اخیر بین تبصره‌ی ۲ و بند «ت» ماده ۱۲۷ ق.م.ا. از یک طرف و تبصره‌ی ماده ۱۲ ق.م.ا.ت. از طرف دیگر، تعارض وجود دارد و در این مورد میان حقوقدانان نیز اختلاف نظر می‌باشد؛ ولی با استناد به بند «ب» و صدر ماده ۱۰ ق.م.ا. در مورد مساعدتر بودن مجازات قانون لاحق، تبصره‌ی ماده ۱۲ ق.م.ا.ت. نسخ شده است.

### کلیدواژگان

قتل عمدی، معاونت، ممسک، ناظر.

---

\* دانش آموخته‌ی کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

\*\* نویسنده مسئول: استادیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده‌ی حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

رایانامه: d.mojab@modares.ac.ir

\*\*\* استادیار، عضو هیأت علمی گروه مسائل فقهی و حقوقی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران

## مقدمه

قتل در تمام نظام‌های حقوقی به عنوان شنیع‌ترین و مهم‌ترین جرم محسوب می‌شود و لذا قانونگذاران، مجازات سنگینی را برای مرتکب چنین عملی مقرر داشته‌اند. قانونگذار ایران نیز با الهام از منشأ الهی (قرآن)، سنگین‌ترین کیفر، یعنی قصاص را برای مرتکب مقرر نموده است. یکی از مسائل بحث برانگیز در قانون مجازات اسلامی، مسأله‌ی مجازات معاون جرم است. در این بین، مجازات معاونت در قتل، بخصوص در موارد ارجاع به شرع همواره مورد اختلاف حقوقدانان بوده است. البته تعریفی از معاونت در جرم در قانون به عمل نیامده است و فقط به بیان مصادیق معاونت اکتفاء شده است.

مطابق ماده ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی قانونگذار در مجازات معاون ابتدا کلمه‌ی شرع را به‌کار برده و آنگاه از قانون سخن می‌گوید [برخلاف قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰] که در این صورت ظاهراً به نظر می‌رسد که برای مجازات معاون، ابتدا باید به شرع مراجعه شود و در صورتی که مجازاتی برای معاون آن جرم معین نشده بود سپس به قوانین دیگر مراجعه شود و در صورتی که مجازاتی برای معاون آن جرم معین نشده بود، آنگاه به این ماده مراجعه شود و تعیین مجازات شود؛ در حالی که به نظر می‌رسد از آنجا که طبق اصل ۱۶۷ قانون اساسی، قانون مقدم بر شرع است باید گفت در اینجا قانونگذار عنایت خاصی به شرع نداشته است.

حال از این موضوع که بگذریم، این ماده مجازات معاونت در قتل عمدی را طبق بند «الف» ماده ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی این‌گونه بیان می‌نماید: «در جرایمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات یا حبس دائم است، حبس تعزیری درجه‌ی دو یا سه». که مطابق ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی، مجازات حبس تعزیری درجه‌ی دو، حبس بیش از ۱۵ تا ۲۵ سال، جزای نقدی بیش از پانصد و پنجاه میلیون ریال تا یک میلیارد ریال، و مجازات حبس تعزیری درجه‌ی سه، حبس بیش از ۱۰ تا ۱۵ سال، جزای نقدی بیش از سیصد و شصت میلیون ریال تا پانصد و پنجاه میلیون ریال است.

علاوه بر ماده فوق در مورد معاونت در جرم، با توجه به عدم نسخ بخش تعزیرات قانون

مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، ماده ۶۱۲ و تبصره‌ی این ماده در مورد مجازات مباشر و معاون قتل عمد این گونه مقرر می‌دارد: «هرکس مرتکب قتل عمد شود و شاکی نداشته یا شاکی داشته ولی از قصاص گذشت کرده باشد و یا به هر علت قصاص نشود، در صورتی که اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد، دادگاه مرتکب را به حبس از سه تا ده سال محکوم می‌نماید.

تبصره: در این مورد معاونت در قتل عمد موجب حبس از یک تا پنج سال خواهد بود».

مطابق ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی تعزیرات، مجازات مباشر در قتل عمد، در صورتی که مباشر به هر علت قصاص نشود و آن هم به صورت استثنایی، در صورتی که موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران باشد، پذیرفته شده است و تبصره‌ی این ماده هم در صورتی که مباشر اصلی به این مجازات محکوم شود [با توجه به استعاره‌ای بودن عمل معاون از مباشر اصلی] مجازات معاونت در قتل را مشخص کرده است؛ زیرا می‌توان این گونه بیان کرد که مطابق تبصره‌ی ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ و اثره‌ی «در این مورد» می‌تواند دو تفسیر داشته باشد: ۱- یعنی قتل، شاکی نداشته باشد؛ ۲- یعنی مباشر در قتل محکوم به مجازات تعزیری شده باشد.

بنابراین از آنجا که مجازات معاون تبعی است قاعده آن است که بگوییم هر گاه مباشر محکوم شد معاون هم قابل مجازات است و اگر مباشر محکوم نشد معاون هم به تبع آن نباید قابل مجازات باشد. لذا به نظر می‌رسد در صورتی که عمل مباشر اصلی جرم قتل، تحت عنوان ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات قرار نگیرد، نمی‌توان معاون را مطابق تبصره‌ی این ماده مورد مجازات قرار داد. و لذا در این صورت باید به ماده ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی مراجعه شود و مطابق این ماده برای عمل معاون تعیین مجازات شود.

در حالی که نظر مقابل این است که با توجه به اصل ۳۶ قانون اساسی که حکم به مجازات و اجرای آن را صرفاً به موجب قانون می‌داند که لازمه‌ی آن تعیین مجازات مشخص و معین به وسیله‌ی مقنن است، دادگاه‌ها وقتی می‌توانند حکم به مجازاتی بدهند که پیش از آن مقنن آن

مجازات را وارد قانون موضوعه کرده باشد و از طرفی مقنن علی‌رغم موجود بودن مجازات ممسک و ناظر در فقه، تمایلی به وارد کردن آن به قانون نداشته است؛ بر این اساس، ممسک و ناظر نیز مصادیقی از معاونت در قتل بوده و باید به استناد قانون مجازات اسلامی برای آن‌ها تعیین مجازات کرد که در حال حاضر مجازاتی که در قانون مجازات اسلامی وجود دارد، مجازات مقرر در مواد (۱۲۶ تا ۱۲۹ و تبصره‌ی ماده ۶۱۲ تعزیرات) قانون مجازات اسلامی است. لذا به نظر می‌رسد ایرادی که به قانون مجازات اسلامی وارد است، این است که با توجه به مشخص بودن مصادیق شرعی معاونت [بحث ممسک و ناظر] و میزان مجازات آن‌ها در فقه، اشاره‌ای به این مصادیق و مجازات آن‌ها در قانون مجازات اسلامی نشده است و فقط در ماده ۱۲۷ این قانون به‌طور کلی به شرع ارجاع داده شده است.

حال با توجه به مطالب فوق و با توجه به این که قانونگذار در مجازات معاونت در قتل عمدی بین آموزه‌های شرعی، با شیوه‌ی عرفی و تعزیری جمع کرده است؛ در حالی که مطابق مواد ۲ و ۱۲ ق.م.ا. همواره قانونگذار به قانونی بودن جرم و مجازات تأکید داشته است، این تناقض‌ها همواره به چشم می‌خورد. لذا نگارنده در این پژوهش درصدد است رویکرد قانون مجازات اسلامی در خصوص مجازات معاونت در قتل عمدی را مورد بررسی قرار دهد. امید است با انجام و ارائه‌ی این پژوهش گامی مثبت، در جهت حل تعارض و ابهام موجود و ارائه‌ی راهکار به قضات محترم برداشته شود.

### مجازات معاونت در قتل عمدی

در ارتکاب جنایت قتل، ممکن است فردی باشد که دخالتی در عمل مجرمانه نداشته، بلکه فقط فراهم‌کننده مقدمات جرم باشد. در این صورت همکار مجرم اصلی بوده و در اصطلاح معاون جرم و عمل ارتكابی او، به عنوان معاونت به حساب می‌آید، بنابراین معاون جرم کسی است که در عملیات اجرایی جنایت قتل شرکت نداشته، بلکه فقط مقدمات جرمی را فراهم می‌آورد که قاتل، مرتکب می‌شود (قدسی، ۱۳۹۴، ص ۳۷).

پیامبر(ص): «من أَعانَ علی قتل مسلم ولو بشرط كلمة جاء يوم القيامة مكتوباً بين عينيه: آيس من رحمة الله».

پیامبر(ص) فرمودند: کسی که، هرچند با گفتن بخشی از یک جمله بر کشتن مسلمانی یاری دهد، در روز قیامت، در حالی می‌آید که میان چشمانش [بر پیشانی‌اش] نوشته شده: «مأیوس از رحمت خدا» (انصاری (ترجمه‌ی عباسی)، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۰۶).

با توجه به موضوع مانحن‌فیه و مواد ۱۲۶ الی ۱۲۹ ق.م.ا. ذکر نکاتی ضروری است:

۱. نکته اول این‌که، معاونت در جرم علاوه بر جرایم تعزیری<sup>۱</sup>، شامل حدود، قصاص و دیات نیز می‌شود (ر.ک، همان، قدسی).

۲. نکته دوم این‌که، معاونت در جرم اصولاً به صورت فعل ایجابی واقع می‌شود و جرم بودن عمل معاون عاریه‌ای یا همان استعاره‌ای است، لذا اگر عمل مباشر جرم نباشد عمل معاون نیز جرم نبوده و مجازاتی را به دنبال ندارد (ر.ک، همان).

۳. نکته سوم این‌که، وجود وحدت قصد و تقدم و یا اقتران زمانی بین رفتار معاون و مباشر جرم شرط است (تبصره ماده ۱۲۶ ق.م.ا.)؛ یعنی، معاون در همکاری و مساعدت با مباشر، علم و اطلاع از چگونگی عمل ارتكابی او داشته باشد و قصد هرگونه اقدام به عنوان معاون باید مقدم و یا مقارن با عمل مجرمانه مباشر باشد، لذا اگر قصد معاون بعد از قصد مباشر منعقد گردد، معاونت در جرم صدق پیدا نمی‌کند. با این بیان معاونت در جرایم غیرعمدی امکان‌پذیر نیست (ر.ک، همان، ص ۳۸-۳۷).

۴. نکته چهارم این‌که، چنان‌چه فاعل اصلی جرم، جرمی شدیدتر از آنچه مقصود معاون بوده است مرتکب شود، معاون به مجازات معاونت در جرم خفیف‌تر محکوم می‌شود (تبصره ماده ۱۲۶ ق.م.ا.)..

۵. نکته پنجم این‌که، مجازات معاون قتل عمد به صراحت بند «الف» ماده ۱۲۷ ق.م.ا، حبس تعزیری درجه دو یا سه می‌باشد.<sup>۲</sup>

---

۱. ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ فقط ناظر به معاونت در جرم در جرایم تعزیری و بازدارنده بوده است.  
۲. به موجب ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ حبس تعزیری درجه دو، بیش از پانزده تا بیست و پنج سال و درجه سه، بیش از ده تا پانزده سال تعیین شده است.

قانونگذار مجازات معاونت در قتل عمدی را متأثر از مجازاتی که نسبت به جانی اعمال می‌شود متفاوت دانسته است بنابراین مجازات معاون در مواردی که جانی محکوم به قصاص است شدیدتر از مواردی است که وی به دیه و تعزیر یا یکی از این دو محکوم می‌گردد. به موجب ماده ۱۲۷ ق.م.ا: «در صورتی که در شرع یا قانون، مجازات دیگری برای معاون تعیین نشده باشد، مجازات وی به شرح زیر است: الف - در جرایمی که مجازات قانونی آن‌ها سلب حیات یا حبس دائم است، حبس تعزیری درجه دو یا سه». ماده ۱۹ ق.م.ا. مجازات حبس درجه‌ی سه را ده تا پانزده سال و حبس درجه‌ی دو را از پانزده تا بیست و پنج سال مقرر کرده است، بنابراین کیفر معاونت در قتل منتهی به قصاص از ده تا بیست و پنج سال حبس است. با توجه به استثناء مذکور در صدر ماده ۱۲۷ ق.م.ا، در مواردی که شارع ترتیب خاصی برای مجازات برخی از اشکال معاونت پیش‌بینی کرده است، کیفر معاون مطابق احکام شرعی تعیین و اجرا می‌گردد.

یکی از حقوق‌دانان در این مورد چنین بیان می‌کند: برخی به رغم صراحت قانون مبنی بر خروج مواردی که مجازات معاون در شرع مقدر است از حکم ماده ۱۲۷، تعیین کیفر معاونت در قتل، به وسیله‌ی قانونگذار را، مانع جواز رجوع به منابع شرعی در موارد خاص دانسته‌اند. در حالی که استثناء مذکور بر تخصیص مقررات عام و مطلق قانونی در این‌باره به وسیله احکام خاص شرعی دلالت دارد. به علاوه این نحو از تفسیر که مستلزم عمل به خلاف شرع است ضمن آن‌که منهی اصل چهار قانون اساسی و غفلت از موازین و قیودی است که در مقام تفسیر باید لحاظ شود، موجب مهمل شمردن بیان قانونگذار در این خصوص است. بنابراین هرگاه در منابع شرعی مجازات خاصی برای معاونت در قتل مقرر شده است همان اجرا می‌گردد (صادقی، ۱۳۹۳، ص ۳۵۹).

اما آنچه که در این موضوع باید بدان توجه کرد این است که، وجود رابطه‌ی سببیت بین رفتار معاون و جرم ارتكابی ضروری است. بنابراین، هرگاه کسی چاقویی به دیگری برای ارتكاب قتل بدهد، ولی او با استفاده از تفنگ مرتکب قتل شود، فرد اول را نمی‌توان «تهیه‌کننده‌ی وسیله‌ی ارتكاب جرم»، و در نتیجه، معاون در قتل دانست، مگر آن‌که بتوان از مجموع شرایط و اوضاع و

احوال، عمل او را به منزله‌ی «تشویق کردن» مجرم اصلی به ارتکاب جرم، و در نتیجه، از این لحاظ وی را معاون دانست. همین‌طور، هرگاه با فریاد زدن، دیگری را به کشتن شخص ثالثی تحریک نماید ولی قاتل، بدون شنیدن آن فریاد، مرتکب قتل شود، فریاد زنده را نمی‌توان معاون در جرم دانست. لیکن، اگر قاتل پس از شنیدن فریاد، مرتکب قتل شود، فریاد زنده، در صورت وجود سایر شرایط، معاون در قتل محسوب خواهد شد، و صرفاً این‌که قاتل بگوید حتی اگر آن شخص فریاد نمی‌زد هم من مقتول را می‌کشتم، موجب سلب مسئولیت معاون نخواهد شد. ولی اگر عمل شخص را به هیچ روی نتوان تسهیل ارتکاب جرم دانست، حکم به معاونت داده نمی‌شود (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۳، ص ۴۳۴-۴۳۳).

بدیهی است مساعدت به کسی که در مقام استیفاء حق خویش، اقدام به صدمه به دیگری می‌کند، معاونت در جنایت قلمداد نمی‌گردد. بنابراین اگر کسی ولی دم را در اجرای قصاص از قاتل، معاونت کند مرتکب جرم معاونت در قتل نشده است، هر چند ولی دم بدون رعایت شرایط و مقررات، مانند استیذان از ولی امر اقدام کرده باشد. در این صورت معاون در واقع در جرم تعزیری موضوع ماده ۴۲۰ ق.م.ا. معاونت کرده است که اتفاقاً مجازات آن با توجه به مواد ۴۴۷ ق.م.ا. و ۶۱۲ ق.م.ا. «تعزیرات» با مجازات معاونت در قتل که به قصاص منتهی نشده است یکسان خواهد بود (صادقی، پیشین، ص ۳۶۵).

نکته‌ی دیگری که باید به آن اشاره شود این است که، از آنجایی که مجازات قصاص نفس (و عضو) قابل گذشت بوده ممکن است که با گذشت اولیاء دم یا مجنی‌علیه مجازات قصاص نفس (یا عضو) ثابت شود و یا قاتل شاکی نداشته و یا قاتل به هر علتی قصاص نشود (مثلاً قاتل پدر مقتول باشد یا در مورد قتل کافر توسط مسلمان). سؤالی مطرح می‌گردد که معاون جرم چگونه مجازات خواهد شد؟ با توجه به اسقاط مجازات مباشر آیا معاون قابل مجازات خواهد بود یا نه؟ در تبصره‌ی ۲ ماده ۱۲۷ آمده است: «در صورتی که به هر علت قصاص نفس یا عضو اجراء نشود، مجازات معاون بر اساس میزان تعزیر فاعل اصلی جرم، مطابق بند(ت) این ماده اعمال خواهد شد.» به این معنا اگر قاتل به هر علتی قصاص نشود با توجه به این‌که حسب ماده ۶۱۲ قانون مجازات

اسلامی ۱۳۷۵، قاتل در چنین مواردی به حبس تعزیری ۳ تا ۱۰ سال محکوم خواهد شد، دادگاه باید برای معاون آن مجازاتی بین شش ماه تا دو سال حبس (درجه شش و پنج) تعیین نماید. اما با دقت در صدر ماده ۱۲۷ که بیان نموده در هر مورد در قوانین برای معاون مجازات تعیین شده است باید به آن موارد مراجعه نمود و در تبصره‌ی ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ میزان مجازات معاون این نوع جرم تعزیر یک تا پنج سال حبس تعیین گردیده است یعنی به رغم این‌که حسب تبصره‌ی ۲ ماده ۱۲۷ دادگاه می‌تواند تا دو درجه کمتر مجازات معاون جرم را تعیین نماید اما تبصره‌ی ماده ۶۱۲ این اجازه دادگاه را محدود نموده است که با توجه به حکم کلی تبصره‌ی ۲ ماده ۱۲۷ و نص صریح تبصره‌ی ماده ۶۱۲ و صدر ماده ۱۲۷ می‌توان قائل گردید که تبصره‌ی ماده ۶۱۲، حکم تبصره‌ی ماده ۱۲۷ را در این خصوص تخصیص داده است و در موارد تعیین مجازات برای معاون چنین جرمی باید به حکم تبصره‌ی ماده ۶۱۲ عمل نمود (سبزواری‌نژاد، ۱۳۹۲، ص ۳۸۷). یکی دیگر از حقوقدانان نیز چنین بیان می‌دارد: با توجه به صدر ماده ۱۲۷ ق.م.ا، ناظر بر تبصره‌ی ماده ۶۱۲ تعزیرات، معاون به حبس از یک تا پنج سال محکوم می‌گردد و نوبت به تبصره ۲ ماده ۱۲۷ ق.م.ا، نمی‌رسد (آقایی‌نیا، ۱۳۹۲، ص ۱۲۷).

اما برخی از حقوقدانان در این مورد این‌چنین استدلال می‌کنند: «در صورتی‌که به هر علت قصاص نفس اجرا نشود، مجازات معاون بر اساس میزان تعزیر فاعل اصلی جرم، مطابق بند «ت» ماده فوق‌الذکر اعمال می‌شود. اگر قاتل به هر دلیلی قصاص نشود به موجب ماده ۴۴۷ قانون مانحن‌فی باید به مفاد ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۵ مراجعه نمود که مجازات فاعل اصلی، یعنی قاتل سه تا ده سال حبس (حبس تعزیری درجه چهار) و معاون آن از یک تا پنج سال حبس (حبس تعزیری درجه پنج) می‌باشد، در این صورت مطابق بند «ت» ماده ۱۲۷ قانون، مجازات معاون باید یک تا دو درجه پایین‌تر از مجازات جرم ارتكابی تعزیری باشد، یعنی مجازات معاون باید حبس درجه پنج یا شش تعیین گردد که اگر تبصره‌ی ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۵ ملاک عمل قرار گیرد، در این صورت هیچ‌گونه منافاتی با بند «ت» ماده ۱۲۷ ندارد، اگرچه به فرض وجود تنافی و تعارض مسلماً قانون مؤخرالتصویب ملاک عمل و تصمیم خواهد بود»



(قدسی، پیشین، ص ۳۸). به همین دلیل برخی از حقوقدانان معتقدند، «...مجازات معاون بر اساس میزان تعزیر فاعل اصلی جرم، مطابق بند «ت» این ماده اعمال می‌شود (بخشی‌زاده‌اهری و بخشی‌زاده‌اهری، ۱۳۹۲، ص ۱۱۵).

اما برخی دیگر معتقدند با توجه به این که قانونگذار برخلاف موازین مذکور مجازات معاون در قتل عمد را چنانچه از جانی قصاص نشود ملحق به احکام معاونت در جرایم تعزیری دانسته و بنابر آنچه در بند «ت» ماده ۱۲۷ آمده است کیفر معاون یک تا دو درجه کمتر از مجازات تعزیری جانی خواهد بود؛ چنانچه قاتل عمد به جهتی مانند عفو و مصالحه قصاص نشود به دستور ماده ۴۴۷ ق.م.ا. به مجازات تعزیری مقرر در ماده ۶۱۲ ق.م.ا. (تعزیرات) محکوم می‌گردد. بدیهی است آنچه به این ماده [۶۱۲] احاله شده است تنها مجازات تعزیری قاتل عمد است و نه شرایط ثبوت این مجازات، بنابراین احراز شرایطی که برای مجازات ماده ۶۱۲ آمده است مانند اخلال در نظم و سیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران در اینجا لازم نیست. با توجه به مواد فوق‌الذکر در مواردی که مجازات قصاص منتفی است دو فرض مطرح است: گاه جنایت ارتكابی علاوه بر قتل محور عنوان دیگری مانند اخلال در نظم و امنیت جامعه است. گاه جنایت فاقد اوصاف و عناوین مجرمانه دیگری است که در ماده ۶۱۲ ق.م.ا. (تعزیرات) آمده است. چنانچه قتل فاقد عناوین مجرمانه‌ی مذکور در ماده ۶۱۲ باشد به موجب ماده ۴۴۷ قانون مجازات اسلامی جانی به مجازات مذکور در ماده ۶۱۲ یعنی سه تا ده سال حبس محکوم می‌گردد. به موجب ماده ۱۹ ق.م.ا. مجازات مذکور، تعزیر درجه چهار محسوب می‌گردد لذا مجازات معاون در قتل در شرایط فوق‌الذکر به دستور بند «ت» ماده ۱۲۷ ق.م.ا. یک تا دو درجه کم‌تر از تعزیر درجه چهار یعنی حبس بیش از شش ماه تا پنج سال خواهد بود. لکن در فرض دیگر چنانچه جنایت ارتكابی دارای یکی از عناوین مذکور در ماده ۶۱۲ نیز باشد و یا در صورت وجود بیم تجری مرتکب یا دیگران، معاون در قتل مطابق تبصره‌ی ماده ۶۱۲ ق.م.ا. به مجازات حبس از یک تا پنج سال محکوم می‌گردد؛ زیرا به دستور صدر ماده ۱۲۷ ق.م.ا. در مواردی که در قانون برای معاونت در جرم مجازات خاصی مقرر شده است همان اجرا می‌گردد (صادقی، پیشین، ص ۳۶۳-۳۶۲).

### جلوه‌های رفتاری در معاونت در قتل عمدی

از جمله مصادیق معاونت در قتل عمدی، معاونت از طریق اِمساک، اکراه، آمریت به قتل و نظارت در قتل است که به ترتیب آن‌ها را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم.

#### معاونت در قتل از طریق اِمساک

یکی از مصادیق معاونت در قتل، تسهیل وقوع آن از طریق اِمساک است و مقصود از اِمساک، آن است که شخصی دیگری را نگه‌دارد تا ثالثی او را به قتل رساند؛ «مراد از «نگهداشتن» حبس و اِمساک به معنای عرفی آن بوده و شامل هر فعلی است که مقتول به سبب آن امکان خروج از سلطه جانی را نیافته و قاتل به سهولت بتواند با کمک ممسک وی را به قتل برساند مانند آن‌که مجنی‌علیه را با دست‌های خود بگیرد و یا با طناب به درختی ببندد به نحوی که امکان فرار یا تخلص نیابد یا آن‌که مجنی‌علیه را در اتاقی محبوس سازد تا قاتل مهیا شود» (صادقی، پیشین، ص ۳۶۰).

بدیهی است ممسک باید با آگاهی بر قصد قاتل، مجنی‌علیه را نگاه دارد و اگر بدون قصد قتل، اقدام به گرفتن یا حبس وی کرده باشد محکوم به مجازات مذکور نخواهد بود. همچنین است اگر هیچ‌یک قصد قتل نداشته و اتفاقاً فعل جانی منجر به مرگ شده باشد. به علاوه در این نحو از معاونت نیز مانند دیگر صورت‌های آن معاون باید نسبت به عدوانی و نامشروع بودن قتل آگاهی داشته باشد؛ زیرا اگر معتقد به قانونی بودن اقدامات فاعل اصلی باشد به دلیل فقدان عناصر لازم در تحقق رکن روانی جرم معاونت، مسئولیتی نخواهد داشت (ر.ک، همان).

مجازات ممسک حبس ابد است (موسوی خمینی (ره)، ۱۴۲۱.ه.ق، ج ۲، ص ۴۸۸؛ موسوی خویی، ۱۴۲۲.ه.ق، ج ۴۲، ص ۱۳؛ نجفی، ۱۴۰۴.ه.ق، ج ۴۲، ص ۴۶؛ ابن‌ادریس‌الحلی، ۱۴۱۱.ه.ق، ج ۳، ص ۳۴۵؛ ابن‌البراج، ۱۴۰۶.ه.ق، ج ۲، ص ۴۶۸؛ ابن‌قدامه، ج ۹، ص ۴۷۸؛ موسوی گلپایگانی، ۱۳۶۹، ج ۳، ص ۲۰۹) مستند این حکم روایات مختلفی است که در این مورد وارد شده است. از جمله‌ی این روایات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

معتبره‌ی سکونی از امام جعفر صادق(ع): «إِنَّ ثَلَاثَةَ نَفَرٍ رُفِعُوا إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (ع): وَاحِدٌ مِنْهُمْ أَمْسَكَ

رَجُلًا - وَ أَقْبَلَ الْآخَرَ فَقَتَلَهُ وَ الْآخَرُ يَزَاهُم، فَقَضَى فِي صَاحِبِ الرُّؤْيَةِ أَنْ تُسْمَلَ عَيْنَاهُ وَ فِي الَّذِي أَمْسَكَ أَنْ يُسَجَّنَ حَتَّى يَمُوتَ كَمَا أَمْسَكَهُ وَ قَضَى فِي الَّذِي قَتَلَ أَنْ يُقْتَلَ» (حرعاملی، ۱۴۰۹ه.ق، ج ۲۹، ص ۵۰). امام صادق(ع) فرمودند: «سه نفر در مقام دادرسی در پیشگاه امیرالمؤمنین(ع) حاضر شدند: یکی از ایشان مردی را نگاه داشته بود و دیگری وی را به قتل رسانده بود و شخص ثالث ناظر این واقعه بود امیرالمؤمنین(ع) در خصوص شخص ناظر حکم دادند که در چشمانش میل کشیده شود[نابینا گردد] و در خصوص ممسک حکم به حبس ابد تا پایان حیات دادند آن گونه که شخص مقتول را نگاه داشت تا جان دهد و در خصوص شخصی که مرتکب قتل شده بود حکم به قصاص نفس دادند».

همچنین صحیحی حلی از امام صادق(ع) منها صحیح الحلبي عن أبي عبدالله (عليه السلام): «قَضَى عَلِيٌّ (عليه السلام) فِي رَجُلَيْنِ أَمْسَكَ أَحَدَهُمَا وَ قَتَلَ الْآخَرَ - قَالَ: يُقْتَلُ الْقَاتِلُ وَ يُحْبَسُ الْآخَرُ حَتَّى يَمُوتَ عَمَّا - كَمَا حَبَسَهُ حَتَّى مَاتَ عَمَّا الْحَدِيثُ» (نجفی (ترجمه‌ی نایب‌زاده)، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۱۰۰)؛ یعنی، از جمله روایت صحیح حلی از امام صادق (عليه السلام) است که فرمودند: حضرت امیر مؤمنان علی(عليه السلام) درباره دو نفر مرد که یکی، مجنی‌علیه را گرفته بود و دیگری او را کشته بود، فرمودند: قاتل را می‌کشند و دیگری را زندانی می‌کنند، تا در زندان بمیرد، همچنان که مقتول را تا مردن نگاه‌داشته است (ر.ک، همان، ص ۱۰۱).

همین گونه روایه سماعه «قَالَ: قَضَى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) فِي رَجُلٍ شَدَّ عَلَى رَجُلٍ لِيَقْتُلَهُ - وَ الرَّجُلُ فَارٌّ مِنْهُ فَاسْتَقْبَلَهُ رَجُلٌ آخَرَ - فَأَمْسَكَهُ عَلَيْهِ حَتَّى جَاءَ الرَّجُلُ فَقَتَلَهُ - فَقَتَلَ الرَّجُلُ الَّذِي قَتَلَهُ - وَ قَضَى عَلِيُّ الْآخَرَ الَّذِي أَمْسَكَهُ - أَنْ يُطْرَحَ فِي السِّجْنِ أَبَدًا حَتَّى يَمُوتَ فِيهِ - لِأَنَّهُ أَمْسَكَ عَلَى الْمَوْتِ» (ر.ک، همان، ص ۱۰۰): یعنی روایت سماعه که گفت حضرت امیر مؤمنان علی(عليه السلام)، درباره مردی که دنبال مردی می‌دوید که او را بکشد و آن مرد فرار می‌کرد؛ از روبرو مردی آمد و مقتول را گرفت و نگاه‌داشت و آن مرد رسید و او را کشت امیرالمؤمنین(ع) داوری فرمودند که کشنده را می‌کشند و دیگری را نگاه‌داشته حبس می‌کنند تا بمیرد، چون او مقتول را تا مردن نگاه‌داشته است (ر.ک، همان، ص ۱۰۱).

گروهی از فقها به استناد برخی از روایات، علاوه بر مجازات حبس ابد، شلاق نیز مقرر

داشته‌اند (مفید، ۱۴۱۰ه.ق، ص ۷۴۵؛ موسوی‌خویی، پیشین، ج ۴۲، ص ۱۲؛ ابن‌البراج، پیشین، ج ۲، ص ۴۶۸).

یکی از فقها در این مورد می‌نویسد: «... حُسْبُ الْمَمْسُوكِ فِي السِّجْنِ حَتَّى يَمُوتَ، وَ يُضْرَبُ فِي كُلِّ سَنَةٍ حَمْسِينَ سَوْطاً و...»: یعنی ممسک حبس ابد می‌گردد و هر ساله ۵۰ ضربه تازیانه نیز به او زده می‌شود. (ر.ک، همان، ابن‌البراج). مستند قول اخیر روایتی است از ابی‌المقدام از امام صادق(ع) که فرمودند: «أَنَّ الصَّادِقَ (ع) أَمَرَ فَضْرَبَ جَنْبَهُ وَ حَبَسَهُ فِي السِّجْنِ وَ وَقَعَ عَلَى رَأْسِهِ يُحْبَسُ عُمْرَهُ، وَ يُضْرَبُ كُلِّ سَنَةٍ حَمْسِينَ جَلْدَةً» (نجفی (ترجمه نایب‌زاده)، پیشین، ج ۱، ص ۱۰۰): یعنی امام صادق(ع) (در چنین مورد) دستور فرمودند که او را کتک زدند و به زندان انداختند و بالای (درب) زندان نوشتند که تمام عمر زندانی است و هر سال ۵۰ ضربه شلاق می‌خورد (ر.ک، همان، ص ۱۰۱).

از میان فقهای عامه، احمد بن حنبل، عطاء و ربیعہ معتقدند، ممسک حبس می‌شود. مالک و سلیمان ابن ابی موسی معتقدند، ممسک نیز کشته می‌شود؛ زیرا اگر او نمی‌گرفت مباشر قادر به ارتکاب جنایت نبود. لذا قتل حاصل فعل هر دو است و این دو به منزله‌ی شریک در قتل محسوب می‌شوند. لذا هر دو باید قصاص شوند. ابوحنیفه، شافعی، ابو ثور و ابن‌المنذر، معتقدند ممسک تنها مجازات می‌گردد (به نقل از مرادی، ۱۳۷۳، ص ۱۷۶).

فقیهان امامیه مجازات فرد ممسک را حبس ابد دانسته‌اند، بعید نیست که همین مجازات در مورد ممسک، قابل اعمال باشد؛ زیرا ماده ۱۲۷ ق.م.ا، اعمال مجازات‌های مذکور در ماده را منوط به آن کرده است که «در شرع یا قانون مجازاتی برای معاون تعیین نشده باشد». البته، وجود تفاوت فاحش در مجازات قابل اعمال برای مصادیق مختلف معاونت در قتل عمدی قابل توجیه نیست، به ویژه آن‌که برخی از مصادیق معاونت در قتل عمدی (مثلاً دادن سلاح گرم به فرد و تشویق وی به کشتن دیگری) قابل سرزنش‌تر از اقدام ممسک در قادر ساختن دیگری به ارتکاب قتل می‌باشد (میرمحمدصادقی، پیشین، ص ۴۴۳). اما برخی از فقها ممسک را شریک در قتل دانسته و او را به مجازات قصاص محکوم نموده‌اند (مدنی‌کاشانی، ۱۳۶۸، ج ۱۴، ص ۲۳).

اما با توجه به حکم معاونت در قتل از طریق اِمساک در فقه و روایات وارده؛ در نشست

قضایی دادگستری مشهد در مهرماه ۱۳۸۰ در پاسخ سؤال ذیل این گونه بیان شده است: «سؤال: با توجه به مفاد مواد ۲ و ۱۱ و ۴۳ و ۲۰۷ و ۲۰۸ قانون مجازات اسلامی از یک طرف و مسأله ۳۳ کتاب قصاص تحریرالوسیله حضرت امام(ره)، ناظر به اصول ۴ و ۱۶۷ قانون اساسی و ماده ۲۹ قانون تشکیل دادگاه‌های کیفری ۱ و ۲، آیا مجازات ممسک و دیده‌بان در قتل عمد بر اساس مجازات تعیینی برای معاون قتل عمد در قوانین مدون تعیین می‌شود، یا بر طبق فتوای حضرت امام و متون فقهی مجازات خاص خود را دارد؟»

جواب: اصل ۳۶ قانون اساسی مقرر داشته: «حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد». و همچنین ماده ۲ قانون مجازات اسلامی، در مقام بیان اصل قانونی بودن جرم و مجازات: «هر فعل یا ترک فعلی را که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم محسوب کرده است». بنابراین، قانون در این مورد ساکت نیست تا به فتاوی معتبر رجوع شود و نظر به این که مطابق ماده ۵ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری: «تعقیب امر جزایی فقط نسبت به مباشر، شریک و معاون جایز دانسته شده است» بنابراین چنانچه اقدام فرد (ممسک) قابل انطباق با مقررات معاونت در جرم باشد، تحت همین عنوان قابل مجازات خواهد بود در غیر این صورت مجازاتی نخواهد داشت؛ زیرا در مقررات جزایی عنوان ممسک وجود ندارد» (کارخیران، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۲۷۵).

### معاونت در قتل از طریق اکراه

مطابق ماده ۳۷۵ ق.م.ا، اکراه به قتل، خود نوعی معاونت در قتل است؛ زیرا مکره دیگری را از طریق تهدید و اکراه وادار به ارتکاب قتل می‌کند. هر چند مطابق ماده ۱۵۱ ق.م.ا، اکراه از عوامل تام رافع مسئولیت کیفری محسوب می‌شود و برابر این ماده: «هرگاه کسی بر اثر اکراه غیرقابل تحمل مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می‌شود، مجازات نمی‌گردد. در جرایم موجب تعزیر، اکراه‌کننده به مجازات فاعل جرم محکوم می‌شود. در جرایم موجب حد و قصاص طبق مقررات مربوط رفتار می‌شود».

گاه ممکن است فعل مورد درخواست اکراه‌کننده جنایت بر نفس دیگری باشد، در این صورت

فقه‌های شیعه غالباً به موجب پاره‌ای از روایات و نیز بر اساس قاعده اجتماع سبب و مباشر اکراه را مجوز قتل ندانسته‌اند؛ زیرا کشتن دیگری در واقع دفع ضرر به ضرری مشابه آن است (صادقی، پیشین، ص ۲۰۱-۲۰۰). به همین جهت است که گفته‌اند لاتقیه فی‌الدماء؛ زیرا تقیه برای حفظ جان مجاز شناخته شده، پس نمی‌تواند سبب از بین بردن نفس باشد، ولی در کمتر از نفس اگر بر جان خود بترسد، اکراه تحقق می‌یابد (شهیدثانی، ج ۲، ص ۴۵۸).

مشهور فقها در مورد فرض اکراه به قتل ثالث، به شرط آن‌که هر دو عاقل و بالغ باشند، به دلایل مختلف، اکراه را مجوز قتل نمی‌دانند<sup>۱</sup> و بنابراین از باب سبب و مباشر، مکره [اکراه‌شونده] را به قصاص و مکره [اکراه‌کننده] را به حبس ابد محکوم می‌نمایند (موسوی خمینی(ره)، پیشین، ج ۲، ص ۴۸۹؛ نجفی، پیشین، ج ۲، ص ۴۸).

یکی از فقها بر قصاص اکراه شونده‌ای که در قتل مباشرت نموده است، نزد امامیه ادعای اجماع می‌نماید (نجفی، ۱۴۰۴ه.ق، ج ۱، ص ۴۴). و مؤید این رأی را روایت صحیح ذکر می‌کند. برخی برخلاف قول مشهور امامیه نظر بر نفی قصاص از مکره داشته اکراه بر قتل را مانند اکراه بر ارتکاب جرایم دیگر رافع مسئولیت جزایی اکراه‌شونده دانسته‌اند (موسوی خویی، پیشین، ج ۲، ص ۱۳).

یکی دیگر از فقها در خصوص اکراه به خودکشی چنین بیان می‌کند: «اگر بگوید: «خودت را بکش» چنانچه فرد امر شده عاقل ممیز باشد چیزی بر آمر نیست بلکه ظاهر آن است که اگر او را بر کشتن خودش اکراه نماید نیز چنین است. و احتمال دارد که (در صورت اکراه) به زندان ابد بیفتد؛ زیرا فرد را اکراه نموده است البته در جایی که اکراه صدق کند مثل جایی که بگوید: «خودت را بکش و گرنه به بدترین شکل کشتن تو را می‌کشم» (موسوی خمینی(ره) ترجمه‌ی موسوی بجنوردی و حسینی نیک)، ۱۳۹۱، ص ۶۴۵).

اما نکته‌ای که باید به آن اشاره شود این‌که حکم حبس ابد برای مکره در صورتی که مکره طفل ممیز باشد نیز جاری است (تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۳۷۵ ق.م.ا)..

۱. «و لا تقتلو النفس التي حرم الله ألا بالحق» (آیه ۱۱ از سوره‌ی مبارکه‌ی انعام).

یکی از فقها در این خصوص چنین می‌نویسد: «لَوْ أَكْرَهُهُ عَلَى الْقَتْلِ فَالْقَوْدُ عَلَى الْمَبَاشِرِ إِذَا كَانَ بَالِغًا عَاقِلًا، دُونَ الْمَكْرِهِ وَ إِنْ أَوْعَدَهُ عَلَى الْقَتْلِ، وَ يُجْبَسُ الْأَمْرُ بِهِ أَبَدًا حَتَّى يَمُوتَ. وَ لَوْ كَانَ الْمَكْرَهُ مَجْنُونًا أَوْ طِفْلًا غَيْرَ مُمَيِّزٍ فَالْقِصَاصُ عَلَى الْمَكْرِهِ الْأَمْرِ. وَ لَوْ أَمَرَ شَخْصٌ طِفْلًا مُمَيِّزًا بِالْقَتْلِ فَقَتْلُهُ لَيْسَ عَلَى وَاحِدٍ مِنْهُمَا الْقَوْدُ، وَالِدِيَّةُ عَلَى عَاقِلَةِ الطِّفْلِ، وَ لَوْ أَكْرَهُهُ عَلَى ذَلِكَ فَهَلْ عَلَى الرَّجُلِ الْمَكْرَهُ الْقَوْدُ أَوْ الْحَبْسُ أَبَدًا؟ الْأَحْوَطُ الثَّانِي» (موسوی خمینی (ره)، پیشین، ج ۲، ص ۴۸۹). اگر فردی را بر قتل مجبور کند قصاص بر مباشر قتل است نه بر اکره‌کننده (مجبورکننده) البته در صورتی که مباشر بالغ عاقل باشد حتی اگر او را به قتل نرساند و تهدید کرده باشد و امر به قتل، به زندان ابد می‌افتد تا بمیرد. و اگر فرد اجبار شده دیوانه یا کودک غیر ممیز باشد قصاص بر امر اجبارکننده است و اگر فردی به کودک ممیزی امر کند تا شخصی را بکشد پس کودک ممیز آن شخص را به قتل برساند بر هیچ‌یک از آنها (کودک ممیز و امر) قصاص نیست و دیه بر عاقله کودک است و اگر کودک ممیز را اجبار به قتل نماید آیا بر فرد اجبارکننده قصاص است یا حبس ابد؟ نظر نزدیک‌تر به احتیاط نظر دومی (زندان ابد) است (موسوی خمینی (ره) (ترجمه‌ی موسوی بجنوردی و حسینی نیک)، پیشین، ص ۶۴۵).

مستند مشهور، در بیان این حکم، صحیحی‌ی زیر است: «عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) فِي رَجُلٍ أَمَرَ رَجُلًا بِقَتْلِ رَجُلٍ [فَقَتَلَهُ] فَقَالَ (ع): يُقْتَلُ بِهِ الَّذِي قَتَلَهُ، وَ يُجْبَسُ الْأَمْرُ بِقَتْلِهِ فِي الْحَبْسِ حَتَّى يَمُوتَ» (حرعاملی، پیشین، ج ۲۹، ص ۴۵): یعنی زراره از امام محمد باقر (ع) روایت کرده در مورد مردی که دیگری را امر به کشتن ثالثی می‌نماید؛ پس مأمور اقدام می‌کند و آن شخص را به قتل می‌رساند. قاتل قصاص می‌شود و امر در زندان می‌ماند تا بمیرد.

اما در خصوص مجازات مُکْرَه و مُکْرَه باید توجه داشت که طبق تبصره‌ی ۲ ماده ۱۲۷ و بند «ت» آن، مجازات معاون را در صورتی که مباشر قصاص نشده و به جای آن به مجازات مذکور در ماده ۶۱۲ (یعنی سه تا ده سال حبس) محکوم شود، عبارت از یک تا دو درجه پایین‌تر از مجازات جرم ارتكابی تعیین کرده است. حال سؤال این است که اگر اکره‌شونده‌ی به قتل به هر دلیل (مثلاً گذشت اولیای دم) قصاص نشده و به مجازات مذکور در ماده ۶۱۲ (یعنی سه تا ده سال حبس) محکوم شود، تکلیف مجازات اکره‌کننده چه خواهد شد. آیا وی را همچنان باید، به موجب ماده ۳۷۵، به حبس ابد (یعنی به مجازاتی بیش از مجازات مباشر) محکوم کرد، یا در این حالت باید

اکراه را نوعی معاونت در قتل عمدی دانسته و مکروه را، طبق تبصره‌ی ۲ ماده ۱۲۷، به مجازاتی معادل یک تا دو درجه پایین‌تر از جرم ارتكابی برای مباشر محکوم نمود؟ پاسخ این سؤال روشن نیست، هر چند که نگارنده موضع اول را ترجیح می‌دهد و در هر حال برای حل مشکل باید این مقررات مجدداً بازنگری شده و مواد مربوط به شکل بهتری بازنویسی شوند. بدیهی است، هرگاه اولیای دم اکراه‌کننده را عفو نمایند، وی، به موجب ماده ۳۷۶، به مجازات معاونت در قتل محکوم خواهد شد (میرمحمدصادقی، پیشین، ص ۳۲۹-۳۲۸).

نکته‌ای که در آخر می‌توان به آن اشاره کرد این است که فقهای عامه در مورد اکراه در قتل و مجازات مکروه و مکروه اختلاف نظر دارند، «از میان آن‌ها مالک، شافعی و ثوری و احمد و ابو‌ثور و جماعتی معتقدند مباشر کشته می‌شود، امر مجازات می‌گردد؛ و عده‌ای دیگر معتقدند هر دو کشته می‌شوند» (ابن‌رشد، ۱۴۱۵ه.ق، ج ۲، ص ۳۲۳). «اِخْتَلَفُوا فِي الْمَكْرَهِ وَالْمَكْرَهِ، وَ بِالْجُمْلَةِ الْأَمْرِ وَالْمَبَاشِرِ، فَقَالَ الْمَلِكُ وَالشَّافِعِيُّ وَ الثُّورِيُّ وَ أَحْمَدُ وَ أَبُوثَوْرُ وَ جَمَاعَةٌ: الْقَتْلُ عَلَى الْمَبَاشِرِ دُونَ الْأَمْرِ، وَ يُعَاقَبُ الْأَمْرُ، وَ قَالَتْ طَائِفَةٌ: يُقْتَلَانِ جَمِيعًا».

### معاونت در قتل از طریق نظارت

یکی از راه‌های معاونت در جرم طبق بند «پ» ماده‌ی ۱۲۶ ق.م.ا، تسهیل وقوع جرم است، که این امر می‌تواند به صورت کشیک دادن محقق شود. نظارت در قتل در واقع نوع خاصی از کشیک دادن بر ارتكاب قتل و آن عبارت است از نگرهبانی دادن و مراقبت کردن در پیرامون صحنه‌ی قتل، تا قاتل بتواند با آسودگی خاطر جنایت مورد نظر خود را مرتکب شود (مرادی، پیشین، ص ۱۷۹).

از آنجا که برای تحقق معاونت در قتل از طریق نظارت، باید بین ناظر و مباشر در قتل طبق تبصره‌ی ماده‌ی ۱۲۶ ق.م.ا، نوعی تبانی و وحدت قصد برقرار باشد، بدیهی است ملاحظه و مشاهده‌ی اتفاقی صحنه‌ی قتل از شمول موضوع مورد بحث خارج است. اما «شخصی که با نگرهبانی دادن خود در قتل همکاری نموده و وقوع قتل را تسهیل کرده باشد، چشمش را کور خواهند کرد» (ولایی، ۱۳۹۱، ص ۲۴۲).

نکته‌ای که باید به آن اشاره کرد این است که، در مورد مجازات ناظر با توجه به تعابیر متفاوت



از روایات میان فقها اختلاف نظر می‌باشد. برخی در این خصوص چنین بیان می‌دارند: «وَلَوْ اجْتَمَعَتْ جَمَاعَةٌ عَلَى قَتْلِ شَخْصٍ فَأَمْسَكُوهُ أَحَدُهُمْ وَ قَتَلَهُ آخَرٌ وَ نَظَرَ إِلَيْهِ ثَلَاثًا، فَعَلَى الْقَاتِلِ الْقَوْدُ، وَ عَلَى الْمَمْسُوكِ الْحَبْسُ مُؤَبَّدًا حَتَّى الْمَوْتِ، وَ عَلَى النَّاطِرِ أَنْ تَفْقَأَ عَيْنَاهُ» (موسوی خویی، پیشین، ج ۲، ص ۱۳؛ وحیدخراسانی، ۱۴۲۸ ه.ق، ج ۳، ص ۵۰۹): «و اگر جماعتی بر کشتن شخصی اجتماع کنند پس یکی از آن‌ها مقتول را نگه دارد و شخص ثالثی نیز بر او (مقتول) نگاه کند پس بر قاتل قصاص است و نگه‌دارنده حبس ابد می‌ماند تا بمیرد و بر ناظر این‌که دو چشمش از حدقه در آورده می‌شود». برخی دیگر نیز چنین بیان می‌کنند: (ولو نظر لهما ثالث) ای کان عیناً لهم و ریبه (لم یضمن لکن تسمل عیناه ای تفقأ) بالشکوک أو تکحل بمسماز محمی، للاجماع فی محکی الخلاف (نجفی (ترجمه‌ی نایب‌زاده)، پیشین، ج ۱، ص ۱۰۰). (اگر یکی بی‌گناهی را بگیرد و دیگری او را بکشد) و سومی هم نگاه کند (برای آنان دیده‌بانی کند، دیده‌بان قصاص نمی‌شود. دیده هم پرداخت نمی‌کند ولی) چشم‌های او را با فرو بردن خار یا مسمار سرخ شده کور می‌کنند. از کتاب خلاف برای این مطلب اجماع نقل شده (ر.ک، همان، ص ۱۰۱). و برخی دیگر هم به طور کلی مجازات ناظر را به صورت کور کردن نپذیرفته‌اند و این‌گونه بیان می‌دارند: «و لکن الأصل عدم عقوبة علی الناظر، و ما فعل ما یوجبها بحسب الظاهر، فالحکم الآخر لو لم یکن مجمعا علیه، فهو محل التأمل، فتأمل» (اردبیلی، ۱۴۰۳ ه.ق، ج ۱۳، ص ۳۹۹). «اصل آن است که مجازاتی در انتظار ناظر نیست و به حسب ظاهر کاری را که مستوجب کیفر باشد انجام نداده است. بنابراین حکم اخیر (که کور کردن چشم ناظر است) اگر مورد اتفاق نباشد جای تأمل و بررسی دارد».

حال با توجه به عبارات فوق و همچنین مطابق روایات وارده و قول اجماعی فقهای امامیه، مجازات نظارت بر قتل، بیرون آوردن چشم و کور کردن ناظر است (موسوی خمینی (ره)، ۱۴۱۵ ه.ق، ج ۱، ص ۱۹۴ و ج ۲، ص ۴۸۸-۴۸۹؛ ابن‌ادریس‌الحلی، پیشین، ج ۳، ص ۳۴۵؛ نجفی، پیشین، ج ۲، ص ۴۷؛ موسوی خویی، پیشین، ج ۲، ص ۱۳؛ مفید، پیشین، ص ۷۴۵؛ ابن‌البراج، پیشین، ج ۲، ص ۴۶۸). مستند فقها، معتبره‌ی سکونی از امام جعفر صادق (ع) است که فرمودند: «إِنَّ ثَلَاثَةَ نَفَرٍ رُفِعُوا إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ: وَاحِدٌ مِنْهُمْ أَمْسَكَ رَجُلًا وَ أَقْبَلَ الْآخَرَ فَقَتَلَهُ وَ الْآخَرَ يَرَاهُمْ، فَقَضَى فِي صَاحِبِ الرُّؤْيَةِ أَنْ تُسْمَلَ عَيْنَاهُ وَ فِي الَّذِي أَمْسَكَ أَنْ يُسَجَّنَ حَتَّى يَمُوتَ كَمَا أَمْسَكَهُ وَ قَضَى فِي الَّذِي قَتَلَ أَنْ

یُقتل» (حرعاملی، پیشین، ج ۲۹، ص ۵۰). امام صادق(ع) فرمودند: «سه نفر در مقام دادرسی در پیشگاه امیرالمؤمنین(ع) حاضر شدند: یکی از ایشان مردی را نگاه داشته بود و دیگری وی را به قتل رسانده بود و شخص ثالث ناظر این واقعه بود امیرالمؤمنین(ع) در خصوص شخص ناظر حکم دادند که در چشمانش میل کشیده شود[نابینا گردد] و در خصوص ممسک حکم به حبس ابد تا پایان حیات دادند آن‌گونه که شخص مقتول را نگاه داشت تا جان دهد و در خصوص شخصی که مرتکب قتل شده بود حکم به قصاص نفس دادند».

### نتیجه

قانونگذار در ماده ۱۲۷ ق.م.ا، تکلیف معاونت در کلیه‌ی عناوین مجازات‌ها اعم از حدود، قصاص و تعزیرات را معین کرده است و در صدر این ماده اشعار می‌دارد در صورتی که در شرع یا قانون مجازاتی برای معاون مقرر گردیده دادگاه باید همان مجازات را تعیین نماید و در صورتی که تعیین نشده باشد آنگاه نوبت به اعمال موارد چهارگانه‌ی ماده ۱۲۷ و تبصره‌های آن می‌رسد. مقصود از مجازات خاص، مجازات تعیین شده در شرع برای شخص ممسک و ناظر است. ممسک و ناظر از اصطلاحات فقهی می‌باشد. «إمساک» و نگه داشتن شخص به هر طریقی ممکن است صورت پذیرد؛ مانند حبس نمودن، پیچیدن با طناب، نگه داشتن با دست و... تا مرتکب به راحتی جنایت خود را نسبت به مجنی‌علیه محقق سازد و «ناظر» به کسی اطلاق می‌شود که ناظر و شاهد وقوع قتل است و از طریق مواظبت نمودن اطراف صحنه‌ی جنایت به کشیک دادن پرداخته و موجبات قتل را فراهم می‌آورد. فقها میان مجازات «ممسک» و «ناظر» قائل به تفکیک شده‌اند اما اکثر فقها برای ممسک قائل به حبس ابد هستند، هر چند برخی از فقها ممسک را شریک در قتل دانسته و او را به مجازات قصاص محکوم نموده‌اند؛ و برای شخصی که ناظر قتل بوده حکم به کور نمودن چشمانش با میل داغ نموده‌اند، هر چند برخی از فقها حکم به از حدقه در آوردن چشم‌های ناظر نموده‌اند و برخی دیگر [با این توجیه که ناظر به حسب ظاهر کاری را که مستوجب کیفر باشد انجام نداده است]، معتقدند که مجازاتی در انتظار ناظر نیست. اما نکته‌ی دیگر این‌که، ممسک باید در قصد قتل، علم و آگاهی داشته باشد و تا زمانی که آگاهی نداشته باشد، محکوم نمودن وی به

مجازات ممسک، نوعی تکلیف بمالایطاق است و کسی که چنین کاری می‌کند، نباید حبس بشود؛ مانند کسی که تصور می‌کند دیگری قصد تعقیب شخصی را دارد، وی را گرفته اما شخص مزبور وی را می‌کشد، در واقع، إمساک نوعی خاص از معاونت است؛ با این تفاوت که مجازات خاصی در شرع برای وی معین شده که همان مجازات حبس ابد می‌باشد. بنابراین باید در این مورد به مجازات شرعی استناد کرد همچنان‌که سابقاً (در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰) این چنین بود.

در خصوص مجازات قانونی سلب حیات باید اذعان نمود در صورتی که مرتکب جنایت بر نفس، محکوم و قصاص نفس وی اجرا شود، معاون به حبس تعزیری درجه دو یا سه (حبس بیش از پانزده تا بیست و پنج سال یا ده تا پانزده سال) محکوم می‌شود. و در صورتی که قصاص نفس اجرا نشود برخی اعتقاد دارند که با توجه به صدر ماده ۱۲۷ ق.م.ا، ناظر به تبصره‌ی ماده ۶۱۲ تعزیرات معاون به حبس از یک تا پنج سال محکوم می‌گردد و برخی دیگر معتقدند که طبق تبصره ۲ ماده ۱۲۷ ق.م.ا، معیار تعیین مجازات حبس تعزیری، برای معاونت در جرمی که قصاص نفس راجع به مباشر آن اجراء نشده باشد، مجازات مقرر در قانون نیست؛ بلکه بر اساس میزان حبس تعزیری که دادگاه در حکم خود برای مباشر آن جرم تعیین می‌کند می‌باشد که پس از مشخص شدن درجه‌ی آن با یک یا دو درجه پایین‌تر برای معاونت در چنین جرمی تعیین مجازات می‌شود. فلذا به استناد بند «ب» و صدر ماده ۱۰ ق.م.ا، در مورد مساعدتر بودن مجازات قانون لاحق به حال مرتکب باید بگوییم، مجازات چنین معاونی عطف بما سبق می‌شود و تبصره‌ی ماده ۶۱۲ ق.م.ا، نسخ شده است.

اکراه به عنوان قاعده‌ی عام و کلی، یکی از علل رافع مسئولیت است که در یک مورد تخصیص خورده و آن زمانی است که اکراه بر نفس باشد. در صورتی که شخص، دیگری را اکراه کند که شخص ثالثی را بکشد، مکره (اکراه شونده) نمی‌تواند به این عمل مبادرت ورزد؛ زیرا هر دو نفس مساوی هستند و ترجیح یکی بر دیگری، ترجیح بلامرجح خواهد بود. هر چند صاحب مبانی تکملة‌المنهاج معتقد است قاتل قصاص نمی‌شود، بلکه پرداخت دیه بر عهده‌ی او است، اما آنچه

که باید مورد توجه قرار گیرد شرط وحدت قصد موجود در تبصره‌ی ماده ۱۲۶ ق.م.ا. برای تحقق معاونت از یک طرف و به‌شمار آوردن اکراه در قتل به‌عنوان معاونت طبق ماده ۳۷۶ ق.م.ا. از طرف دیگر است. با دقت در این مطلب، از آنجا که بین مُکَرِه و مُکَرَه در قتل، وحدت قصد وجود ندارد، به‌نظر می‌رسد که ماده ۳۷۶ ق.م.ا. نیاز به اصلاح دارد؛ چرا که اگر وحدت قصد بین مُکَرِه و مُکَرَه وجود داشته باشد، دیگر اکراه نیست.

اما بر اساس نتایج فوق پیشنهاد می‌گردد که مجازات معاونت در جرم در چارچوب نظری مشخصی تبیین گردد تا ضمن جلوگیری از پراکندگی قوانین [حداقل در مورد معاونت در قتل عمدی]؛ مجازات معاونت در قتل عمدی، در صورتی‌هایی که مباشر قصاص نمی‌شود و حسب ماده ۶۱۲ ق.م.ا.ت. قاتل در چنین مواردی به حبس تعزیری از ۳ تا ۱۰ سال محکوم خواهد شد، در تعارض تبصره‌ی ۲ و بند «ت» ماده ۱۲۷ ق.م.ا. از یک طرف [که مجازات معاون یک تا دو درجه قابل تخفیف است یعنی از دو تا پنج سال یا از شش ماه تا دو سال] و تبصره‌ی ماده ۶۱۲ ق.م.ا.ت. از طرف دیگر [که تعزیر حبس از ۱ تا ۵ سال را تعیین نموده است] با توجه به اختلاف مجازات قرار نگیرد. و همچنین با توجه به عدم تصریح دقیق قانونگذار از منظور خود نسبت به کلمه‌ی «شرع» در این ماده [بحث ممسک و ناظر]، و با توجه به این‌که قانون مجازات اسلامی از منابع معتبر فقهی اسلام اقتباس شده است و این‌که قانونگذار در مقام بیان بوده است و ارجاع مجازات به شرع، بر خلاف اصل قانونی بودن جرم و «مجازات» است و همچنین نظر به این‌که نسبت به مجازات چنین شخصی میان فقها اختلاف نظر وجود دارد، قانونگذار محترم نسبت به تبیین مجازات این عناوین و درج آن در قانون مجازات اسلامی اقدام لازم را مبذول فرمایند.

## منابع و مأخذ

۱. ابن‌ادریس‌الحلی، جعفر بن محمد، ۱۴۱۱، السرائر، الجزء الثالث، مؤسسه النشر الإسلامي، قم.
۲. ابن‌البراج، القاضي، ۱۴۰۶، المهذب، الجزء الثاني، مؤسسه النشر الاسلامی، قم.
۳. ابن‌رشد القرطبی (الاندلسی) (الحفید)، محمد، ۱۴۱۵، بديأه المجتهد و نهاية المقتصد، الجزء الثاني، انتشارات دارالفکر، بیروت.
۴. ابن‌قدامة، عبدالله بن احمد بن محمود، المغنی (وَيَلِيهِ الشَّرْحُ الكبير)، الجزء التاسع، نشر دارالكتاب العربي، بیروت.
۵. اردبیلی، احمد بن محمد، ۱۴۰۳، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، الجزء ۱۳، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعهی مدرسین حوزه علمیه قم، قم، الطبعة الأولى.
۶. انصاری، مرتضی، ۱۳۸۷، ترجمه و توضیح مکاسب (محرمه)، ترجمه محمد مسعود عباسی، جلد اول، مؤسسه انتشارات دارالعلم، تهران، چاپ اول.
۷. آقایی‌نیا، حسین، ۱۳۹۲، حقوق کیفری اختصاصی \_ جرایم علیه اشخاص (جنایات)، نشر میزان، تهران، چاپ هشتم.
۸. بخشی‌زاده‌اهری، امین، بخشی‌زاده، نیلوفر، ۱۳۹۲، محشای قانون مجازات اسلامی، نشر اندیشه عصر، تهران، چاپ اول.
۹. الجبعی‌العاملی (شهید ثانی)، زین‌الدین، بی تا، مسالک الافهام، الجزء الثاني، چاپ سنگی، قم.
۱۰. حرعاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹، تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، الجزء ۲۹، مؤسسه آل‌البیت، قم، الطبعة الأولى.
۱۱. سبزواری‌نژاد، حجت، ۱۳۹۲، حقوق جزای عمومی (جرم، مجرم، مسئولیت کیفری و موانع آن)، نشر جنگل جاودانه، تهران، چاپ اول.
۱۲. صادقی، محمد هادی، ۱۳۹۳، حقوق جزای اختصاصی (۱) جرایم علیه اشخاص (صدمات جسمانی)، نشر میزان، تهران، چاپ بیستم.

۱۳. قدسی، سیدابراهیم، ۱۳۹۴، جنایت علیه جسم انسان در حقوق کیفری ایران (نظری\_کاربردی)، انتشارات گام حق، تهران، چاپ اول.
۱۴. کارخیران، محمدحسین، ۱۳۹۲، کامل‌ترین مجموعه محشی قانون مجازات اسلامی، جلد اول، انتشارات راه نوین، تهران، چاپ دوم.
۱۵. مدنی‌کاشانی، رضا، ۱۳۶۸، القصاص للفقها و الخواص، الجزء ۱۴، بی‌جا.
۱۶. مرادی، حسن، ۱۳۷۳، شرکت و معاونت در جرم، نشر میزان، تهران، چاپ اول.
۱۷. مفید، محمدبن محمدبن‌النعمان عکبری، ۱۴۱۰، المقنعة، مؤسسه النشر الاسلامی، قم.
۱۸. موسوی خمینی، سیدروح‌الله، ۱۴۱۵، المكاسب المحرمة، الجزء الاول، مؤسسه تنظیم و نشر آثار الامام الخمينی (ره)، قم، الطبعة الأولى.
۱۹. موسوی خمینی، سیدروح‌الله، ۱۴۲۱، تحرير الوسيلة، الجزء الثاني، مؤسسه تنظیم و نشر آثار الامام الخمينی (ره)، قم، الطبعة الأولى.
۲۰. موسوی خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۹۱، ترجمه مباحث حقوقی تحرير الوسيلة، ترجمه محمد موسوی بجنوردی و عباس حسینی‌نیک، انتشارات مجد، تهران، چاپ اول.
۲۱. موسوی خویی، سیدابوالقاسم، ۱۴۲۲، مبانی تکملة المنهاج، الجزء ۲، مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئي (ره)، قم، الطبعة الأولى.
۲۲. موسوی گلپایگانی، محمدرضا، ۱۳۶۹، مجمع المسائل، جلد سوم، انتشارات دارالقرآن الکریم، قم.
۲۳. میرمحمدصادقی، حسین، ۱۳۹۳، حقوق کیفری اختصاصی (۱) جرایم علیه اشخاص، نشر میزان، تهران، چاپ هفدهم.
۲۴. نجفی، محمدحسن، ۱۴۰۴، جواهر الکلام، الجزء ۴۱، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت.
۲۵. نجفی، محمدحسن، ۱۴۰۴، جواهر الکلام، الجزء ۴۲، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت.
۲۶. نجفی، محمدحسن، ۱۳۹۲، ترجمه جواهر الکلام قصاص، ترجمه اکبر نایب‌زاده، جلد اول، انتشارات خرسندی، تهران، چاپ اول.

۲۷. وحیدخراسانی، حسین، ۱۴۲۸، منهاج الصالحین، الجزء الثالث، مدرسه امام باقر علیه السلام، قم، الطبعة الخامسة.

۲۸. ولایی، عیسی، ۱۳۹۱، جرایم و مجازات ها در اسلام، انتشارات مجد، تهران، چاپ اول.